



دانشگاه شهید باهنر کرمان



نشریه نبض دانشجو دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال اول، شماره دوم، آبان ماه ۱۳۹۹



در این شماره می خوانید:

دیباجه، نیمه‌ی پر لیوان Covid_19، سفر های کوچینگ ۲، قصه پر غصه‌ی کارگران روزمزد، شهید بهشتی، تاب آوری شهری زیر چتر توسعه پایداری، برگ و فرهنگ، (علل تضعیف کتابخوانی در ایران)، سایه شوم بی‌تدبیری بر سر در دانشکده فنی کرمان، نیم نگاهی به کارآفرینی اجتماعی، آگیره خشم خدا، بهداشت معنوی در دوران کرونا و تاثیر آن بر سلامت جسم و روان و خلاصه ای از شیوه ی نگارش شاهنامه به دست فردوسی بزرگ



جهت ارتباط با نشریه:

مدیر مسئول :

محمد جواد زبردست

شماره تماس: ۰۹۱۳۰۵۱۸۹۷۴

ایمیل:

javadzebardast8974@gmail.com

سر دبیر: امیر حسین فردوسی

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۵۵۸۴۰۲

ایمیل: Ferdosi642@gmail.com

ویراستار: علی خسروانی پور

شماره مجوز نشریه: ۱۰۱۱۰۲ / ت

از معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مدت مطالعه نشریه: ۲۵ دقیقه

شورا اعضا نشریه دانشجویی نبض دانشجویان:

- حمزه امیری

- علیرضا زارع

- سجاد سعید

- علی خسروانی پور

- امیر حسین فردوسی

- محمد جواد زبردست

شورای اعضا نشریه بانوان:

- فهمیه رئیسی تژاد

- بهناز میرزائی

- فاطمه شاهمیری

- دیبچه ۳
- نیمه‌ی پر لیوان Covid_19 ۴
- سفرهای کوچینگ ۲ ۶
- قصه پر غصه‌ی کارگران روزمزد ۸
- شهید بهشتی ۱۰
- تاب آوری شهری زیر چتر توسعه پایداری ۱۲
- برگ و فرهنگ ۱۴
- نیم نگاهی به کارآفرینی اجتماعی ۱۷
- سایه شوم بی تدبیری بر سر در دانشکده فنی کرمان ۱۸
- آگیره خشم خدا ۲۰
- بهداشت معنوی در دوران کرونا و تاثیر آن بر سلامت ۲۴
- جسم و روان ۲۴
- خلاصه‌ای از شیوه‌ی نگارش شاهنامه به دست ۲۶
- فردوسی بزرگ



«بسمه تعالی»

سپاس پروردگار عالم که اکنون به رغم داشتن مسائل مالی نشریه و در عین حال تلاش بی وقفه‌ی همکارانم، توانستیم شماره‌ی دوم نشریه "نبض دانشجوی" را منتشر کنیم. مانند اغلب رسانه‌ها، نشریه در همه‌ی کشورها همچون فانوسی روشن و آگاهی بخش، ظلمات و تاریکی‌های را می‌زداید. به دنبال آگاهی که به دنبال دارد، مردم را به افرادی مطالبه‌گر و عدالت‌گر تبدیل می‌کند. در پایان لازم است مثل همیشه از همکار عزیز محمد جواد زبردست و اعضای محترم هیئت تحریریه تشکر و قدردانی ویژه به عمل آورم. به امید ایرانی حقیقت‌جو و فردایی روشن.



امیرحسین فردوسی
سردبیر نشریه نبض دانشجوی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی ۹۸

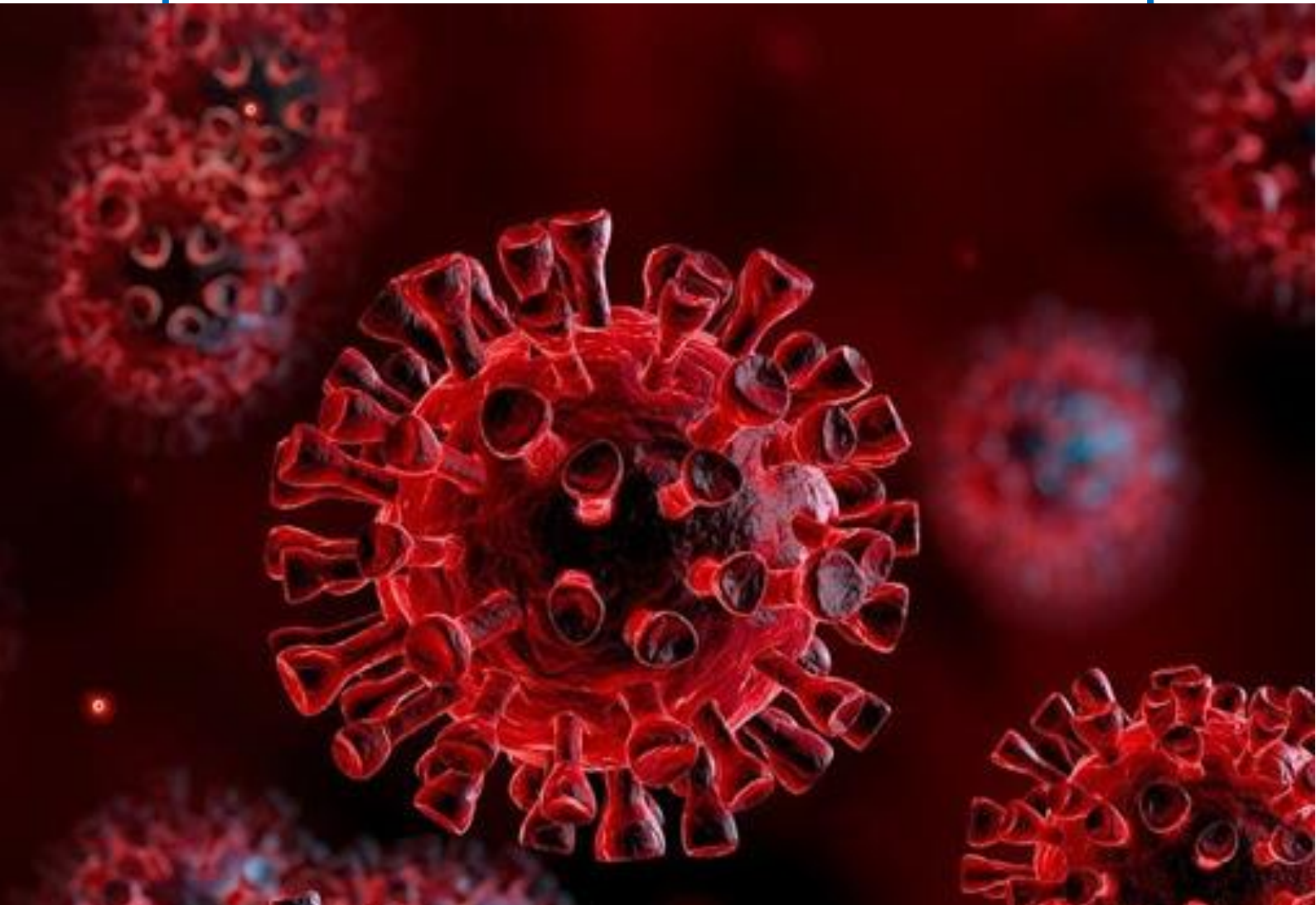
ریگی از روی زمین برداریم / وزن
بودن را احساس کنیم / بد نگوئیم به
مختاب اگر تب داریم / دیده‌ام گاهی
در تب ماه می‌آید پایین / می‌رسد
دست به سقف ملکوت / گاه زخمی که
به پا داشته‌ام / زیر و بم‌های زمین
را به من آموخته است / گاه در بستر
بیماری من حجم گل، چند برابر
شده است / نهرایم از مرگ / مرگ
پایان کبوتر نیست / و همه می‌دانیم /
ریه‌های خوشبختی پر آکیشن مرگ
است.»

"هراب پیری"

نیمہی پر لیوان Covid_19



علی خسروانی پور
مہندسی مکانیک

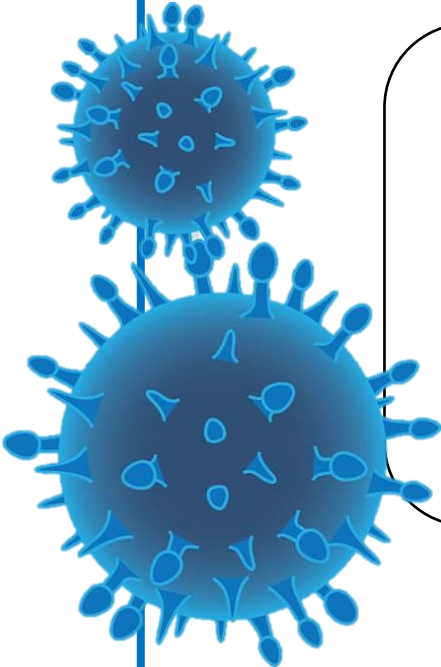


ششم آبان نود و نه، و همچنان سایه‌ی این ویروس و تأثیرات آن بر تمام دنیا باقیست و هر روز افراد جدیدی با چالش‌های تأثیر گرفته از کرونا دست و پنجه نرم می‌کنند.

بعضی از دوستان محیط زیست این ویروس را انتقام طبیعت از انسان و بی‌عظوفتی‌هایش نسبت به کره زمین تلقی می‌کنند! ناحق هم نگفته‌اند زیرا اوضاع به حدی وخیم است که پیش‌بینی بازه ۱۰-۲۰ ساله برای نجات زمین شده!

اپیدمی کرونا در ماه‌های اول باعث تلنگر به کسانی شد که چشم خود را در برابر ظلم انسان بر طبیعت بسته بودند.

این تلنگر در قالب اخباری مبنی بر جان گرفتن دوباره طبیعت نمایان شد؛ نمونه‌ای از این تأثیرات را در ادامه به صورت موردی مشاهده می‌کنید:

- 
- کاهش ۵۰ درصدی تولید گاز مونواکسید کربن
 - کاهش ترافیک خودروها و به دنبال آن کاهش آلاینده‌ها
 - کاهش فعالیت‌های کارخانه‌ها و مراکز صنعتی
 - کاهش سطح آلودگی صوتی جامعه انسانی در محیط زیست
 - کاهش میانگین عمومی دمای کلان‌شهرها
 - برگشت پرندگان مهاجر بعد از سالیان بخاطر کم‌رنگ شدن حضور انسان در بسیاری از نواحی دنیا

از خواندن موارد بالا چه حسی به شما دست داد؟

خوشحالی؟ امید؟ رضایت؟

مقیاس تأثیر این چنین موارد بر حال طبیعت به اندازه‌ی مسکنی بود که به بدن زخم‌خورده طبیعت چند روزی اجازه تنفس داد و گرنه در حال حاضر همچنان همان آتش است و همان کاسه!

اما این موارد باعث می‌شود که انسان متوجه تأثیرات مثبتِ عدم تعرضش به طبیعت شود و از شرمندگی او را به تفکر درباره تغییر سبک زندگی به صورت سالم سوق دهد.

از شما خواننده این مقاله دعوت به تأمل درباره عادت‌های مخربتان نسبت به محیط زیست می‌کنم. به امید همزیستی مسالمت‌آمیز با طبیعت.

هم سفران عزیز سلام

در شماره قبل مختصری در مورد کوچینگ با هم صحبت کردیم و سفر کوچینگ را مشترک مون رو با هدف موفقیت در دانشگاه شروع کردیم. اجازه بدین قبل از ادامه‌ی سفرمون کمی بیشتر در مورد کوچینگ با هم صحبت کنیم. شاید براتون سوال باشه که چرا از کلمه انگلیسی کوچینگ استفاده شده و معنی فارسیش یعنی مربیگری استفاده نشده؟

برای پاسخ به این سوال، اجازه بدین کمی در خصوص تفاوت کوچینگ با حرفه‌های مشابه مثل مشاوره تخصصی، روان درمانی، منتورینگ و آموزش توضیح بدم در نهایت به جواب سوال بالا خواهیم رسید.

تفاوت کوچ با مشاور متخصص (consultant): معمولاً تخصص مشاور در زمینه‌ی خاصی و غالباً به منظور دریافت پیشنهاد و راهکار حل مشکلات با مشاور مذاکره میشه. بنابراین در مراجعه به مشاور حل یک مشکل خاص مد نظره و زمانی که مشکل حل شد، مشاور صحنه رو ترک می‌کنه. معمولاً مشاورین با مسائل خارج از تخصص خود درگیر نمی‌شن ولی کوچینگ به روش جامع‌تری به مسئله می‌پردازه. کوچ با کمک مراجع به بررسی وضعیت می‌پردازه و یک نقشه اجرایی تهیه می‌کنه و در کنار مراجع برای تجزیه، تحلیل و حل مسئله اقدام می‌کنه. در اینجا لزومی نداره که کوچ در حرفه مراجع تخصص داشته باشه و صرفاً با به کارگرفتن دانش خود و پاسخ‌های مراجع، در پیدا کردن راه حل مسئله با مراجعش مشارکت می‌کنه. جالبه بدونین کوچ راه حل مسئله را نداره ولی با طرح سوالات تخصصی به مراجع این اجازه رو میده خودش راه رو پیدا کنه و ارزش‌های موردنظر خودش رو بسازه.

تفاوت کوچ با درمانگر (Therapist): درمانگر نوعاً با یک شخص ناتوان برای معالجه کار می‌کنه، ولی کوچ با یک شخص توانا کار می‌کنه تا توانایی‌هاش رو شکوفا و بارور کنه. در حقیقت درمانگر به شخصی که برای دستیابی به سلامت خود از لحاظ عاطفی، نیاز به کمک داره کمک می‌کنه و غالباً با مشکلات این افراد

در گذشته و راهکارهای معالجه‌ی آنها درگیره ولی یک کوچ با اشخاص فعال کار می‌کنه تا آنها را به سطح فوق‌العاده‌ای ارتقاء بده. کوچینگ متکی به جریانات گذشته برای دستیابی به ترقی نیست، بلکه توجه اون بر روی اهداف به سوی آینده است. تمرکز کوچینگ بر نقطه‌ای که مراجع در حال حاضر در آنجا ایستاده، نقطه‌ای که می‌خواهد آنجا بایستد و چگونگی رسیدن به آن نقطه است.

تفاوت کوچ با منتور (Mentor): منتورینگ رابطه‌ایست با شخصی که در زمینه‌ای خاص تبحر داره. منتور معمولاً از کوچ مسن‌تر و باتجربه‌تره و دانش و عقل خود را به مراجع اعطا می‌کنه و مراجع در حالی که برای منتور احترام فوق‌العاده‌ای قائله از او راهنمایی و نصیحت طلب می‌کنه.



حمزه امیری دانشجوی
رشته دکتری ژنتیک و
بهمنزادی گیاهی

تفاوت کوچینگ با آموزش (Training): یک

استاد در رشته و موضوع خاصی به آموزش می‌پردازد و اطلاعاتی در اون زمینه به دانشجو انتقال میده؛ اما یک کوچ بر این باوره که راه هر شخص مختص خودش و مراجع رو یاری می‌کنه تا اون راه خاص رو پیدا کنه و توی این مسیر اطلاعاتی از جانب خودش به مراجع منتقل نمی‌کنه، مگر به درخواست مراجع و در قالب پیشنهاد یا بازخورد.

در واقع در فرآیند کوچینگ مراجعه کننده، راه حل را با همراهی کوچ، در درون خودش جستجو می‌کنه و با آگاه تر شدن، رشد می‌کنه. آگاهی و خردی که از درون خودش بهش پیدا میکنه، نه بیرون. البته ناگفته نماند بسته به نوع هدف یا مساله، هر کدام از این روش ها، می توانند سودمند باشند و کوچینگ با سایر حرفه ها مغایرت ندارد.

خوب حالا با این توضیحات امیدوارم به جواب سوال بالا رسیده باشین؛ زمانی که ما از کلمه مربی و مربیگری در فارسی استفاده می‌کنیم ذهن ما ناخودآگاه به سمت مربیگری ورزشی میره. یک مربی ورزشی معمولاً هم مشاوره میده، هم منتوره و هم آموزش میده، چیزی که کاملاً با کوچینگ متفاوته. بنابراین از اونجایی که معادلی برای کوچینگ با مفهوم واقعی اش رو در فارسی نداریم ترجیح اینه که از همون کلمه کوچینگ استفاده کنیم.

امیدوارم با این توضیحات تونسته باشم آگاهی ذهنی شما نسبت به کوچینگ رو بیشتر کنم تا بتونیم این سفر رو بهتر و با کیفیت تر با هم پیش ببریم خوب پردازیم به ادامه سفر کوچینگ خودمون (اگر مطلب شماره قبل رو نخوندی پیشنهاد میکنم اول اون رو بخون چون ممکنه گیج بشی)

دوست من، گفتم دوست داری بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه یک سری مهارت ها و ویژگی ها کسب کرده باشی. درسته؟ خوب یه خورده بیشتر در خصوص این مهارت ها یا به نوعی درباره خودت در ۴ سال آینده بیشتر صحبت می‌کنی؟

وقتی خودت رو توی اون جایگاه تصور می‌کنی چه احساسی داری؟ فکر می‌کنی این آینده‌ای که برای خودت تصور کردی چه قدر با توانایی ها، استعداد ها، علایق و منابع تو جوره؟

به نظرت این هدف چه قدر برای تو دست یافتنیه؟ اگه بخوای برای رسیدن به این هدف معیار یا سنجه تعریف کنی اون معیار ها یا سنجه ها چی هستن؟ (منظورم اینه که اگه یه فهرست داشته باشی که توی اون فهرست معیار های خودت در ۴ ساله آینده باشه و وقتی همه شون تیک بخورن بگی آره الان اونی شدم که می‌خوام، اون معیار ها چی هستن؟)

حالا اگه بخوای یک سری معیار تعریف کنی برای طول مسیر و چک کنی آیا واقعا هنوز توی مسیر درست هستم یا نه اون معیار ها چی میتونن باشن؟

خوب دوست عزیز ممکنه پاسخ های سوالات بالا کمی سخت باشن و جواب دادن بهشون نیازمند چندین ساعت فکر کردن باشه ولی خوب به نظر ارزشش رو دارو. این طور نیست؟

اگر احساس کردی جواب دادن به این سوالات سخته اصلاً نگران نباش من به عنوان کوچ در کنارت هستم تا به کمک هم، خودت جواب این سوالات رو پیدا کنی. مجال ما در این شماره از نشریه هم به پایان رسید. امیدوارم که ضمن آشنایی بیشتر با حرفه کوچینگ و برقراری ارتباط بهتر با این حرفه، با پاسخ گویی به سوالات بالا سفر خوب و خوشی رو در کنار هم تجربه کنیم و با کمک هم به بهترین شکل ممکن به مقصد هدف هامون برسیم. *تلاش کن تا تلاش کنی*





قصه پر غصه‌ی کارگران روزمزد

فهیمة رئیسی نژاد

کارشناس ارشد جامعه شناسی ۹۸

در گوشه میدان ایستاده‌اند گاهی جمع‌اند و گاه پراکنده؛ ماشین که می‌ایستد همه به سمتش هجوم می‌برند ولی از میان جمع بیست نفره انگار شانس فقط با دو نفر یار است و بقیه دست از پا درازتر برمی‌گردند و در گروه‌های چند نفره به گفتگو می‌نشینند. روز که از نیمه می‌گذرد کم‌کم امیدشان را برای یافتن کار از دست می‌دهند اما باز هم تا نزدیک غروب به انتظار می‌نشینند.

رحمان یکی از کارگران میدان، می‌گوید: گاهی ممکن است تا چند روز کار پیدا نشود و این برای کارگر روزمزد مشکل بزرگی است؛ از نگرانی‌هایش می‌گوید؛ از مخارج پزشکی همسر باردارش، از اقساط عقب‌مانده وام ازدواجش و من تنها می‌توانم حرفهایش را بشنوم و نظاره‌گر رفتنش با دست‌های خالی به سمت خانه باشم.

رضا همراه با یک چاه کن افغان کار می‌کند؛ سنش از پنجاه گذشته است؛ زمستان‌ها را کارگری می‌کند و با آغاز گرمای تابستان و تعطیلی مدارس، برای کار کشاورزی همراه با خانواده راهی روستا می‌شود. از ضرورت داشتن بیمه برای زمان کهنسالی و بیماری با او سخن می‌گویم و رضا گرانی حق بیمه و روند طولانی اداری را از دلایل بیمه نبودنش عنوان می‌کند.

مهناز را نیز به واسطه همسایگی از کودکی می‌شناسم؛ در کار و زندگی فردی جدی و قانونمند و سرکارگر است. او هر روز برای کار در مزارع و گلخانه‌ها برای کشاورزان کارگر مهیا می‌کند. سالهاست قبل از روشنایی صبح جلوی درب خانه اش زنان و مردان کارگر برای یافتن کار جمع می‌شوند. زمستان آتشی راه می‌اندازند و گرد آتش حلقه می‌زنند و خود را در مجاورت آتش گرم نگاه می‌دارند. از مهناز در مورد کارشان و سختی‌های شغل کارگری بخش کشاورزی می‌پرسم؛ کار در مزارع را کاری سخت و طاقت فرسا می‌داند؛ کارگرانش را زنان و مردان روزمزدی معرفی می‌کند که در سرمای خشک و سوزان زمستان و گرمای طاقت فرسای تابستان در شرایط سخت به کار می‌پردازند و شرایط مزد و حقوقشان را وابسته به وضعیت کشاورزی و قیمت محصول سالیانه می‌دانند. گویا سال‌هایی که کشاورزی رونق دارد آنها نیز حقوقشان را به موقع دریافت می‌کنند و در شرایط بد کشاورزی گاهی حقوق کارگران این بخش تا یک سال هم عقب می‌افتد.

از ضرورت بیمه برای کارگر می‌گویم با لبخندی نگاهم می‌کند و می‌گوید: کارگر روزمزد را که کسی بیمه نمی‌کند. برایش از روزهای پیری و بیماری که می‌گویم، لحظاتی کوتاه به فکر فرو می‌رود و می‌گوید: کارگران بسیاری را می‌شناسد که به علت سختی و فرسودگی این شغل با انواع بیماری‌ها خانه نشین شده‌اند و بدون بیمه به سختی زندگی را می‌گذرانند.

هرساله در "روز جهانی کار و کارگر" طی همایشی از کارگران تکریم می‌شود اما کاش یادمان نرود اینان در لایه‌های زیرین جامعه هستند. کارگران روزمزدی که اگر یک روز کار نکنند؛ با مشکلات معیشتی عدیده‌ای دست به گریبان خواهند شد. گرانی و تورم زودتر از دیگر اقشار تأثیرش را بر آنها به عنوان افرادی فاقد پس انداز که اکثراً اجاره نشین نیز هستند می‌گذارد و اجاره بهایی که سیر صعودی را طی می‌کند مشکلات بسیاری را برایشان به وجود می‌آورد که حاشیه نشینی می‌تواند از جمله پیامدهای این اتفاق باشد که خود زمینه ساز مشکلات فراوانی برای کل جامعه می‌شود. از سویی گرانی کالاهای اساسی و تعداد زیاد اعضای خانواده، کار را برای کارگران سخت می‌کند و در صورت عدم حمایت از این کارگران، زمینه برای رواج ناهنجاری و بزهکاری در سطح جامعه فراهم خواهد شد. شاید تشکل‌های کاری و انسجام بخشی در قالب یک اتحادیه، به حل مشکلات این قشر کم درآمد کمک کند و می‌تواند به این امر توجه بیشتری مبذول گردد.



شهباز بهشتی



محمد جواد زبردست
کارشناس ارشد جامعه شناسی
فعال اجتماعی، فرهنگی، سیاسی

بازخوانی سخنان آیت الله بهشتی: قابل قبول نیست در این مملکت کسی شب گرسنه بخوابد.

چه زهدی؟ زهد علی. چه کار می کند؟ کار اقتصادی می کند. قنات و چاه آب درست می کند و مزرعه به وجود می آورد و نخلستان می سازد و بعد این دستاورد اقتصادی را به جای آنکه صرفاً در مصرف خود و خانواده قرار بدهد در خدمت محرومان قرار می دهد و این را عبادت می داند. اسلام به نقش اقتصاد اهمیت می دهد، اما اقتصادی که زیربنای شخصیت انسان نشود، خیلی متزلزل، نازل، فروافتاده و سقوط کرده است؛ انسانی که زیربنای شخصیتش روابط اقتصادی باشد.

*پوست کنده و صریح می گویم که انقلاب اسلامی ما با روند و مناسبات اقتصادی موجود در جامعه ما در معرض خطر و آسیب قطعی است، چرا؟ برای اینکه در این بُعدش اسلامی نشده است. مردان و زنان و جوانان و نوجوانان انقلابی ما امروز با چشم خودشان می بینند که نزدیک به ۱۵ ماه از پیروزی انقلاب می گذرد، ولی هنوز در جامعه ما سیرها و خیلی سیرها با گرسنه ها و خیلی گرسنه ها با هم در جامعه دیده می شوند تا وقتی چنین است جامعه ما اسلامی نیست».

یکی از شعارهای انقلاب اسلامی تحقق عدالت بود؛ به نحوی که همواره در سخنان بزرگان انقلاب رفع فقر یکی از محورهای اصلی بوده است. این مهم در نگاه شهید بهشتی نیز به شدت متجلی است، چنانکه او همواره و مشخصاً در یک سخنرانی در سال ۵۹ از اختلاف روزافزون «سیرها» و «گرسنه ها» انتقاد می کرد. بررسی این موضوع از زبان آیت الله بهشتی به بهانه سالگرد شهادت او خالی از لطف نیست. بازخوانی سخنان آیت الله بهشتی: قابل قبول نیست در این مملکت کسی شب گرسنه بخوابد. بخش هایی از سخنرانی شهید بهشتی درباره اسلام، انقلاب و عدالت اقتصادی را در ادامه بخوانید؛

*اسلام به نقش اقتصاد و عدالت اقتصادی در زندگی انسان اهمیت فراوان می دهد. دین زهد و پارسایی است اما نه زهد مرتاضانه و صوفیگرانه که زهد انقلابی. زهد انقلابی کدام است؟ زهد صوفی گرانه کدام است؟ زهد صوفی گرانه این است که درویش آدم قانعی است. یک لقمه نان از هر جا به او بدهند با همان شکمش را سیر می کند و به دنیا بی اعتنا است. این ضداسلام است. پس



«نباید در جامعه اسلامی کسی زیر طاقی بخوابد که آوار می‌شود».

*عرض کردم این مطلب مهم است و نقطه جدیدی است، نقطه عطف تکاملی است در این انقلاب و باید دنبالش رفت و دنبال کرد. این را من مکرر در شورای انقلاب با همین عبارت برای دوستانم گفته‌ام که دوستان، برای ما قابل قبول نیست که اداره جامعه در دست ما باشد و باز هم در این مملکت کسی شب گرسنه بخوابد؛ کسی زیر طاقی بخوابد که نگران است بر سر او و عزیزانش خراب شود؛ از آب آلوده برای شرب استفاده کند؛ از بی‌درمانی جان خود و عزیزانش در معرض خطر باشد، این قابل قبول نیست. این را چندین بار در شورای انقلاب گفته‌ام ولی اعتراف می‌کنم در برابر ملت عزیزمان که موفقیت ما در این زمینه بسیار ناچیز بوده و امروز می‌خواهم در این روز و در این شهر اعلام کنم که همه کسانی که دلشان در عشق این انقلاب مالا مال شور و هیجان است و قلبشان در محبت این انقلاب می‌تپد، باید حرکت و اقدامی سریع و قاطع و مؤثر آغاز کنند و آغاز کنیم و هر چه زودتر به این فاصله جهنمی سطح زندگی در جامعه جمهوری اسلامی ایران پایان بدهیم. اعلام می‌کنم باید هر چه زودتر تلاش برای تقسیم عادلانه سرانه همه امکانات بهزیستی (زیست مناسب) در کشور در بین ۳۶ میلیون جمعیت (جمعیت آن روز ایران) به عمل بیاید و گر نه اسلامان باز هم تک‌بعدی خواهد ماند و انقلاب اسلامی‌مان همه‌جانبه نخواهد شد».

عدالت را به چپ‌گرایی یا راست‌گرایی منتسب نکنید

*از مقام عالی رهبری انقلاب، از مراجع عالی‌قدر تقلید از علمای ارزنده و متعهد اسلام و از مسئولان گوناگون جامعه جمهوری اسلامی استدعا می‌کنم در راه تنظیم برنامه جامع و شروع هر چه سریع‌تر این اقدام انقلابی و

این مرحله جدید تکاملی در انقلاب اسلامی‌مان، سرعت به خرج دهند و کاری کنند که این اقدام مؤثر در اولین فرصت ممکن صورت گیرد و جامعه محروم و محرومان جامعه ما با چشم خودشان عدالت اقتصادی اسلام را تحقق یافته ببینند و امیدوارم نه راست‌گرایان این پیشنهاد خالصانه و مخلصانه را فوری برچسب چپ‌گرایی بهش بزنند و نه چپ‌گرایان خودفروخته به این پیشنهاد ناشی از دل‌سوختگی برچسب فرصت‌طلبانه بزنند. این نه چپ‌گرایی است نه فرصت‌طلبی است، این پاسخ‌دادن صریح به احساس اسلام زنده‌ای است که در بسیاری از ما وجود دارد و عاشقانه در پی آنیم که هر چه زودتر به آن لیک گوییم. به امید هفته‌های نزدیک موعود بسیار نزدیک برای تحقق یافتن این آرمان اسلام محمد و علی و به امید شرکت خلاق و فعال هر چه بیشتر همه دل‌باختگان اسلام در این برنامه پیروزمند و پیروزی‌بخش اقتصادی اسلامی سال ۵۹. منبع: روزنامه شرق

"تاب آوری شهری زیر چتر توسعه پایداری"

بنام آنکه جان را فکرت آموخت
چراغ دل به نور جان برافروخت

"شیخ محمود شبستری"

محمدجواد زبردست
فعال اجتماعی، فرهنگی، سیاسی
۲۶ مهر ۱۳۹۹



نقش ویژه ای در آن دارد پیدا کرد. توسعه پایدار واژه ای نمادین دهه قرن ۲۰ است که یکی از اهداف اصلی سیاست ها فعالیت های سازمان ملل متحد و بحث همیشگی کشور های توسعه یافته و توسعه نیافته می باشد و به عنوان یک فرایند لازمه بهبود و پیشرفت در زمینه های مختلف یاد شده است بنابراین هدف توسعه پایدار بسیار گسترده است و دستیابی به آن در سایه برنامه ریزی اتفاق می افتد این برنامه ریزی می بایست یک برنامه ریزی قوی باشد. در ادامه می توان محور های اصلی توسعه پایدار و اصول آن را بررسی کرد و ریشه های آن را در بوته آزمون قرارداد.

در شماره اول نشریه نبض دانشجو به توسعه روستایی پرداخته شد و به طور مختصر تعریفی از توسعه روستایی بیان کردم و پیوندی میان توسعه و روستا شکل گرفت. دیدگاههایی از توسعه روستایی و کلید واژه های آن بیان شد. و در پایان ترویج توسعه روستایی که چراغ راه روستائیان است مشخص کردم. در این شماره به توسعه پایداری شهری و تاب آوری شهری که هردو در بطن یک دیگر قرار گرفته اند پرداخته خواهد شد. هرچند که این مفاهیم ابعادی گسترده تر از توسعه روستایی دارند. اگر از جاده روستا خارج شویم و به شهر نزدیک شویم شهر به عنوان یک سیستم پیچیده و زنده و هویت اقتصادی اجتماعی و کالبدی یک پارچه ای هست که می توان مولفه های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ...

در پایان مفهوم تاب آوری شهری پرداخته و پیوند زدن آن را با توسعه پایداری شهری بیان می‌کنم. از جمله محور های اصلی توسعه پایدار شامل:

الف: کیفیت زندگی انسان را بهبود بخشد (دیدگاه انسانگرا)

اصل یک علامه ریو حاکی از این است که انسان محور توجه توسعه پایدار است و انسان ها سزاوار مستحق یک زندگی سالم همراه با طبیعت می باشند.

ب: قابلیت زیست و تنوع کره زمین را حفظ کند (دیدگاه طبیعت گرا) توسعه باید ساختار کارکرد و تنوع سیستم های طبیعی جهان را که گونه انسان به آن وابسته است حفظ کند به این منظور باید:

۱. تنوع زیستی حفظ شود

۲. منابع تجدید پذیر حفظ شود

۳. منابع تجدید ناپذیر را به حداقل رساند

۴. سیستم های پایداری زندگی حفظ شود.

از جمله اصول توسعه پایدار را می توان نام برد:

۱. آینده نگری

۲. محیط زیست

۳. عادلانه بودن

۴. مشارکت

اما مفهوم تاب آوری در دهه های اخیر سرو صدای زیادی ایجاد کرده و ذهن هر توسعه پردازی را به خود مشغول کرده است تاب آوری در فرهنگ لغات توانایی بازیابی، بهبود سریع، تغییر، شناوری، کشسانی و همچنین خاصیت فوری و ارتجاعی ترجمه شده است. مفهوم تاب آوری برای اولین بار در سال ۱۹۷۳ توسط شخصی به نام هولینگ مطرح شده که مطابق تعاریف بیان شده توسط وی "تاب آوری معیاری از توانایی سیستم برای جذب تغییرات است در حالی که هنوز مقاومت قبلی وجود دارد. در تعریف دیگر اگر بازگو کنم تاب آوری توانایی سیستم های تحت استرس در بازگشت به حالت اصلی و توانایی باز سامان دهی خود است. تاب آوری مفهومی است که در مواجهه با غافلگیری ها و اختلالات معنی پیدا می کند" رویکرد

های تاب آوری شهری می توان پایداری، بازیابی، دگرگونی نام برد. خصوصیات یک شهر تاب آور این است که سرمایه انسانی، مهارت، دانش، و سطح اطلاعات شهر را در ارتباط با بهبود وضعیت تاب آوری سنجید. افزایش دانش و مهارت در برابر درک خطر توسط شهروندان و ارتقای توانایی در راستای توسعه راهبردی کاهش خطر مهم ترین ویژگی یک شهر تاب آور است که لازمه آن آموزش همه جانبه است. از انواع تاب آوری می توان تاب آوری "آینده نگرانه" که به توسعه ظرفیت های احتمالی مورد نیاز برای مدیریت بلایی در آینده اهتمام دارد. تاب آوری "همزمان" که مهارت های مقابله همزمان شهر و شهروندان در برابر حوادث را مد نظر قرار می دهد. تاب آوری "گذشته نگر" که با تمرکز به برگشت ناپذیری و بهبودی پس از آسیب ناشی از بلایا قابل شناخت است.

"تاب آوری معیاری از توانایی سیستم برای جذب تغییرات است در حالی که هنوز مقاومت قبلی وجود دارد. در تعریف دیگر اگر بازگو کنم تاب آوری توانایی سیستم های تحت استرس در بازگشت به حالت اصلی و توانایی باز سامان دهی خود است. تاب آوری مفهومی است که در مواجهه با غافلگیری ها و اختلالات معنی پیدا می کند"

منابع:

- آزاد ارمکی، غلامرضا افتخاری، عبدالرضا، توسعه پایدار، موسسه مطالعات پژوهشی بازرگانی ۱۳۷۹
- گلکا کورش، مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صفحه ۳۲، ۱۳۷۹
- غلامعباس توسلی اشارات جامعه شناسان
- فصلنامه علمی تخصصی مطالعات طراحی شهری پژوهش های شهری سال دوم شماره ۳ مرداد ۱۳۹۸



علیرضا زارع
کارشناس فیزیک

برگ و فرهنگ

(علل تضعیف کتابخوانی در ایران)

بهترین سخن گویا و یاران، کتاب است. آنگاه که دوستان تنهات نهند می توانی به آن سرگرم شوی. اگر او را هم راز خویش قرار دهی سر تو را فاش نمی کند و با کتاب است که می توان به دانش و نیکی ها دست یافت. (بیهقی)

در طول تاریخ توسعه ی جوامع مختلف در گرو آگاهی مردمان آن جوامع بوده است. بدون شک افزایش سرانه مطالعه در هر کشور می تواند در تعالی فرهنگ، تولید و باز تولید ارزش های اجتماعی، زندگی بهتر و افزایش آگاهی جامعه نقش بسیار پررنگی داشته باشد.

در کلی ترین حالت به میانگین مطالعه یک فرد در شبانه روز سرانه مطالعه آن فرد میگویند این را اگر به تمام مردم یک جامعه تعمیم دهیم سرانه مطالعه آن جامعه بدست آید اما سرانه مطالعه به فاکتور های دیگری هم بستگی دارد اما ما کلی ترین تعریف را بیان کردیم.

در کشور ما ایران آمار های ضد و نقیضی درباره سرانه کتابخوانی در این چند سال اخیر بیان شده که قابل استناد نمی باشد اما آنچه آشکار است پایین بودن سرانه کتابخوانی در کشور می باشد.

در جدیدترین آماری که درباره سرانه کتابخوانی در ایران منتشر شده است، سرانه مطالعه را ۱۳ دقیقه ذکر میکند که این عدد بسیار کمی است اگر به کشور هایی همچون فلاند با سرانه مطالعه حدود ۴۴ دقیقه بنگریم درمی یابیم که سرانه مطالعه کشورمان چقدر پایین می باشد. بروز این معضل در کشوری مثل ایران با آن سابقه پر بار فرهنگی دلایلی دارد که به بررسی آن ها خواهیم پرداخت:

۱- گرانی کتاب: یکی از عوامل بسیار مهم در تضعیف فرهنگ کتابخوانی قیمت بالای کتاب های مناسب است. این علت باعث شده تا مردم از خرید کتاب سر باز زنند و در نتیجه، کاهش سرانه مطالعه را به دنبال دارد. از مهم ترین دلایل گرانی کتاب ها می توان به قاچاق کاغذ اشاره کرد

۲- ضعف دستگاه آموزش و پرورش: یکی از مشکلات دستگاه آموزشی کشور پر کردن وقت دانش آموزان با کتب درسی می باشد و متأسفانه هیچ تلاشی برای گسترش فرهنگ کتابخوانی در سنین پایه انجام نمی شود، این رویه ادامه دارد تا در دوره دبیرستان به اوج خود می رسد یعنی دانش آموزان صرفاً کتب درسی مطالعه میکنند آن هم فقط برای عبور از مانع بلندی به نام کنکور

۳- علاقه به سرعت: کتاب را می توان اصلی ترین منبع برای کار تحقیقاتی و یافتن پرسش ها نامید، اما جامعه امروز ما به سمتی پیش رفته که خواهان سریع ترین پاسخ هاست. طبیعتاً خواندن یک کتاب نسبت به استفاده از فناوری روز دنیا کمی زمان بر است و این یکی از دلایلی است که کتابخوانی مورد کم لطفی واقع شده است.

۴- مشکلات فرهنگی: یکی از مشکلات دیگر این است که مانند گذشته کتاب و کتابخوانی یک ارزش محسوب نمیشود و اصلی ترین دلیل آن کمرنگ شدن نقش خانواده در ترویج فرهنگ کتابخوانی است. امروزه بعضاً شاهدیم که فرد برای فخر فروشی کتاب را مطالعه میکند.

۵- فقدان نیاز به مستندات: این علت را به وفور میتوان در مراکز آموزش عالی کشور مشاهده کرد، خیلی کم میشود که برای گفته ها یا متون خود منبعی را ذکر کنیم و از طرفی کتاب اصلی ترین و بهترین منبع می باشد.

۶- تجاری شدن فرایند آموزش و اخذ مدرک: راحت بگویم پولی شدن فرایند اخذ مدرک باعث شده که فرد فقط به عنوان دکتر و مهندس و... بسنده کند بدون اینکه سواد و آگاهی لازم را دارا باشد نتیجه این امر میشود تعداد بسیار زیاد مقالات علمی که از نظر کیفی هیچ بهره‌ای ندارند. تجاری شدن آموزش و فقدان نیاز به مستندات در راستای یکدیگر بر تضعیف فرهنگ کتابخوانی افزوده اند

۷- کمبود کتابخانه ها و امکانات پایین آن ها: کتابخانه ها بهترین راه برای دسترسی به کتاب و یکی از بهترین مکان‌ها برای مطالعه می‌باشد. اما در حال حاضر آنچنان که باید مورد توجه مسئولین مربوطه قرار نگرفته‌اند. این دلایل و فاکتور ها اگر تمام دلایل ضعف کتبخوانی در ایران نباشد دست کم جز مهم ترین علل ضعف کتابخوانی در ایران است

کتاب و کتابخوانی در همه جوامع ، ادیان، فرهنگ ها توصیه شده است. جدا از افزایش آگاهی کتاب فواید بسیاری دارد که متاسفانه برخی خود را از استفاده آن محروم میکنند.

آورده اند که روزی شاگردی نزد استادش رفت و از اینکه هر کتابی میخواند و نتیجه نمیگیرد به استاد خود گلایه کرد.

شاگرد گفت چرا باید کتاب بخوانم وقتی آخر کار چیزی مرا حاصل نمیشود فایده این کتاب در چیست؟

استاد به او گفت برو و چند سطل آب در آن آبکش کنیف بریز شاگرد هم امر استاد را انجام داد و برگشت گفت که آبکش دیگر کاملاً تمیز شده است

استاد به او گفت: کتاب برای تو مثل آب است و تو مثل این ظرف گل آلود. آب در این ظرف باقی نمی‌ماند اما کنیفی های آن را پاک می‌کند خواندن کتاب فواید فوق‌العاده ای دارد، کتاب خواندن تأثیرات مثبتی روی ذهن و عملکرد انسان در اجتماع و زندگی شخصی میگذارد.



فواید کتاب خوانی:

- ۱- **افزایش آگاهی:** هر چیزی که می‌خوانید، مقداری به اندوخته‌های قبلی شما اضافه خواهد کرد هرچند کم باشد، اما حالا دیگر جز دانش و معلومات شما به حساب می‌آید.
- ۲- **گسترش دایره لغات:** یکی از جذابترین ویژگی کتاب و کتابخوانی افزایش دایره لغات می‌باشد. معمولاً شما هنگامی که کتاب‌های مختلفی را مطالعه می‌کنید با سبک‌های مختلف نگارش و لغات جدید آشنا خواهید شد. افزایش دایره لغات به شما در بهتر ارتباط برقرار کردن با افراد دیگر و اجتماع کمک بسیاری خواهد کرد.
- ۳- **تقویت حافظ:** هنگامی که شروع به مطالعه کتابی می‌کنید، شما سعی دارید روندی را که کتاب طی می‌کند به یاد داشته باشید، این خودش یک نوع تمرین تقویت حافظه است و در نتیجه استمرار کتابخوانی تقویت حافظه را به دنبال خواهد داشت.
- ۴- **افزایش تمرکز:** طبیعتاً شما برای فهم مطلبی بایستی روی آن تمرکز کافی داشته باشید.
- ۵- **اجتماعی تر شدن:** قطعاً وقتی مطالب جدیدی را می‌آموزید می‌توانید در اجتماع حرف‌های بیشتری برای گفتن داشته باشید، این ویژگی باعث شده که شما بتوانید به راحتی با دیگران تأمل داشته باشید و نظراتتان را رد و بدل کنید.
- کتاب ، بهترین میراث گذشتگان برای ماست و ارزشمندترین دارایی امروز ماست و سرمایه‌ای بکر برای آیندگان می باشد.
- ما به عنوان فردی در جامعه باید تلاش کنیم تا هرچه که میتوانیم به بهبود فرهنگ کتابخوانی کمک کنیم، قطعاً افزایش کتابخوانی در شهر و محله ما باعث بهبود شرایط فرهنگی حال حاضر می‌شود، اینکه صرفاً بسنده کنیم به مشکلات سر راه کتابخوانی گره‌ای از مشکلات را باز نمی‌کند، پس بیاییم از خودمان شروع کنیم.

هر کس به قدر همت خود خانه ساخته است

بلبل به باغ و چنبره ویرانه تاخته است

علیرضا زارع
کارشناس فیزیک



نیم نگاهی به کارآفرینی اجتماعی (قسمت اول)

کارآفرینی اجتماعی شامل توسعه برنامه‌های نوآورانه برای کمک به بهبود معیشت کسانی است که فاقد کسب و کار و قدرت مالی هستند یا در استفاده از فرصت خدمات اجتماعی با محدودیت مواجهه اند. با توجه اینکه کشور ما از نظر اقتصادی در تنگنا قرار گرفته و در این شرایط کاری نکردن مانند سمی است که ما را از پای در می‌آورد پس می‌طلبید مغزهای متفکر به فکر ایجاد راهکارهایی باشند که از فشارهای اقتصادی بکاهد و برای فاقدان کسب و کار اشتغال ایجاد کنند. حالا اگر بخواهیم ویژگی این کارآفرینان را فهرست کنیم شامل این خصوصیات می‌باشد:

- ۱- کارآفرین همیشه با دیدی مثبت و علاقمند با نیرویی محرک به منابع و ظرفیت‌ها می‌نگرد.
- ۲- کارآفرین با حس مسئولیت‌پذیری اولیه خویش یک ایده را به موفقیت نزدیک می‌کند.
- ۳- کارآفرین اغلب شخصیتی متفکر و مصمم دارد.
- ۴- خطرپذیری: کارآفرین ریسک‌پذیر و در عین حال محتاط است که هزینه‌ها، بازار و مشتری را ارزیابی می‌کند و به پیوستن افراد به این امور سعی می‌ورزد.

در قسمت دوم، خدمت مخاطبان گرامی توضیح می‌دهم که کارآفرین چطور عمل می‌کند و چگونه از ظرفیت‌های کشور برای ایجاد اشتغال استفاده می‌کند.

با کمک منابع:

ویژگی‌های کارآفرینی و کارآفرینی اجتماعی، دلجوی شهر، جواد.

کارآفرینی اجتماعی: مقیمی، سید محمد

امیرحسین فردوسی

سرمدیر نشریه نبض دانشجوی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی ۹۸



سایه شوم بی تدبیری بر سر در دانشکده فنی کرمان



بهناز میرزائی

کارشناس مرمت و احیای بناهای تاریخی

اغلب با خود می‌اندیشم چه زیبا بود آن ایالت تابعه
کوروش! آن کرمانی که هنوز نامش بر کتیبه شوش
می‌درخشد!

"چوب بیش مکن از گنداره (پیشاور) و کرمان حمل
شود"

آیا می‌دانید فرق تخریب یک بنای ارزشمند تاریخی با
نادیده گرفتن حریم و منظر یک اثر تاریخی کرمان، در
چیست؟!

تخریب، باعث می‌شود بعد از یک مدت همه اثر را
فراموش کنند!!

اما مختدوش کردن اثر تاریخی بوسیله آثار و ابنیه مدرن
همچون روگذر، موجب غمگین شدن دوستداران
تاریخ و رنجش آنها در هر دیدار می‌گردد!

مگر نه اینکه شهر کرمان با شهر یزد از باب تاریخی
برابری می‌کرد؟

حال تعداد ابنیه سالم کرمان و یزد را نسبت به نیم قرن
اخیر، مقایسه کنید!

تعداد ابنیه چرا؟!

خط آسمان کرمان و یزد را ببینید کفایت می‌کند!

چند سالی است که ساخت روگذر و زیرگذر در شهر
کرمان سرعت گرفته، که هر کدام بحث حاشیه‌ای
زیادی دربرداشته و کارشناسان زیادی آنها را مؤثر
نمی‌دانند!

یکی از این روگذرها چهارراه امیرکبیر کرمان است که این روزها مراحل پایانی خود را می‌گذراند.

متأسفانه رمپ این پل با فاصله کمی از سردر دانشکده فنی می‌گذرد و نگرانی‌هایی را دربردارد! سردر دانشکده فنی بازمانده معماری دهه چهل خورشیدی در کرمان است، این اثر فاخر که پانزده سال از ثبتش در میراث می‌گذرد مورد بی‌مهریست! هرچند مسئولین میراث فرهنگی و شهرداری کرمان عنوان می‌کنند این بنا هرگز آسیب نخواهد دید، اما شواهد حاکی از آن است که حریم و منظر این بنای ثبت شده در معرض خطر است!

براساس قوانین میراث فرهنگی، آثاری که ثبت می‌شوند، باید در مدت زمان کوتاهی از سوی کارشناسان میراث تعیین عرصه و حریم شده و پس از تصویب، به ارگان‌ها و نهادهای مختلف ابلاغ شود، تا هرگونه ساخت و ساز بر اساس این مصوبه انجام شود!

اما متأسفانه این مهم انجام نشده و سردر دانشکده فنی بدون حریم و عرصه است!

جناب عالم زاده شهردار محترم کرمان گفته است: "رمپ این تقاطع، بعد از سردر دانشکده فنی است و هیچ گونه تخریبی در مسیر اجرای پروژه نداریم!"

حال بعنوان یکی از نمایندگان کارشناسان مرمت و احیاء ابنیه تاریخی یقه‌ی چه نهادی را بگیریم؟! میراث فرهنگی بدلیل عدم تعیین عرصه؟ یا شهرداری که کمر همت را برای ساخت روگذر بسته؟! حریم و منظر برای مسئولینمان چه معنایی دارد؟! مضحک نیست در چنین شهری با گذشته تاریخی ارزشمند، اثر فاخر معماری نیم قرن پیش، پشت رمپ پل گم شود؟! آیا برهم زدن حریم و منظر منافاتی با تخریب خود بنا دارد؟! بنا را تخریب کنید بهتر است تا از پشت رمپ گذر زمان را سرک بکشد!! جناب (حائری زاده) معمار گرانقدر یزدی، تنت در گور نلرزد، اینجا کرمان است!!

"بنا را تخریب کنید بهتر است تا از پشت رمپ گذر زمان را سرک بکشد!!"



آگیره

فیلم محصول سال ۱۹۷۲ است، با اینکه ۴۸ سال پیش تولید شده است اما از نظر بصری چنان خیره کننده است که شاید ابتدای فیلم هوس کنید که دست هایتان را از صفحه نمایشگر عبور دهید و یک برگ تازه و مرطوب را از یکی درختان سبز داخل فیلم بچینید! حرکت قایق روی رودخانه از میان گیاهان انبوه در بیشتر طول فیلم هم شما را به یاد فیلم اینک آخر الزمان خواهد انداخت.

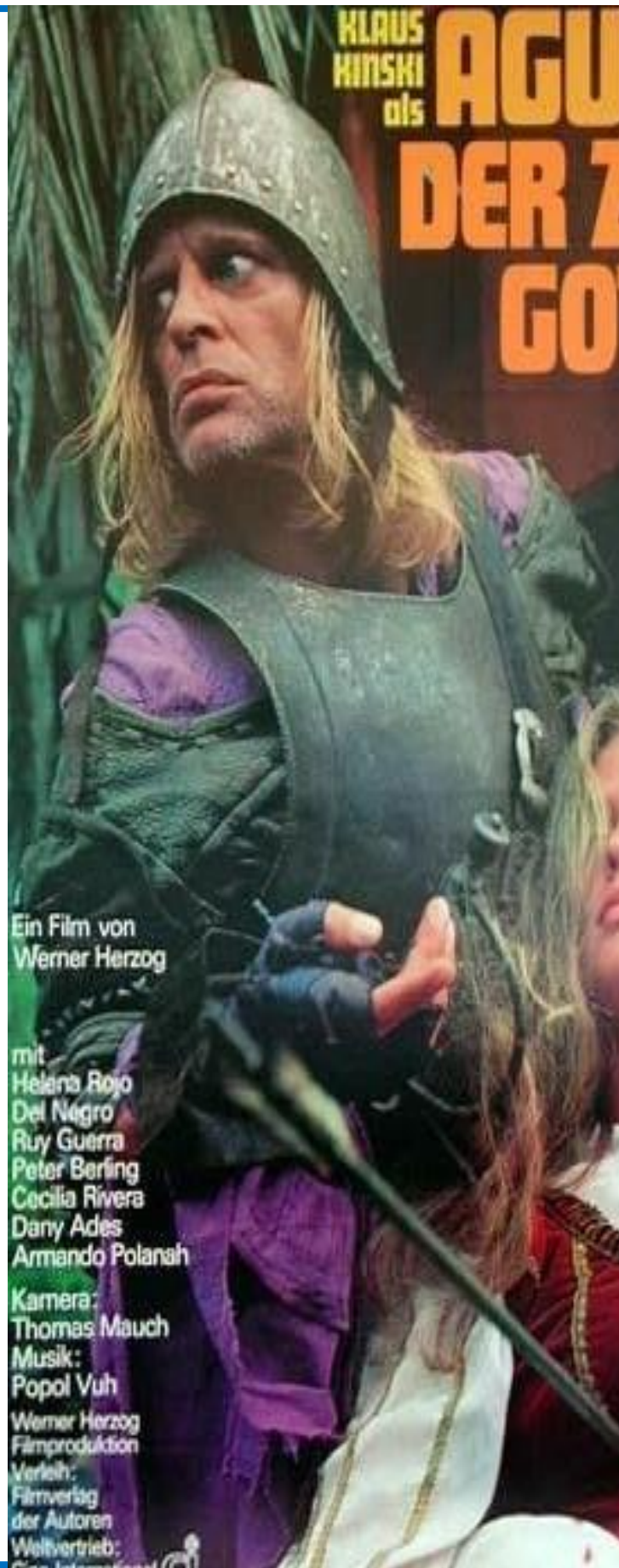
آگیره شخصیت پراهمیت و فرمانده طغیانگر اسپانیایی علاوه بر خشم خدا نشانگر حرص انسان است.

اسپانیایی ها که امپراطوری اینکا را به زیر کشیده اند از سرخپوست ها می شنوند که شهری در جنگل های آمازون وجود دارد که از طلا ساخته شده است، شهر الدورادو.

در جستجوی الدورادو یک کاروان اکتشافی از اسپانیا راهی جنگل های آمازون می شود. کاروان شلوغی از سربازان که علاوه بر یک کشیش، تعدادی زیادی مکزیکی بعنوان برده دارد، برده های ضعیفی که یکی یکی بر اثر بیماری زکام می میرند و باید توپ و کجاوه و چرخ و مجسمه مریم مقدس را حمل کنند. دو زن هم در کاروان هستند یکی همسر اورسوا و دیگری دختر آگیره.



علیرضا رضایی
کارشناسی رشته جامعه شناسی
ورودی ۹۷

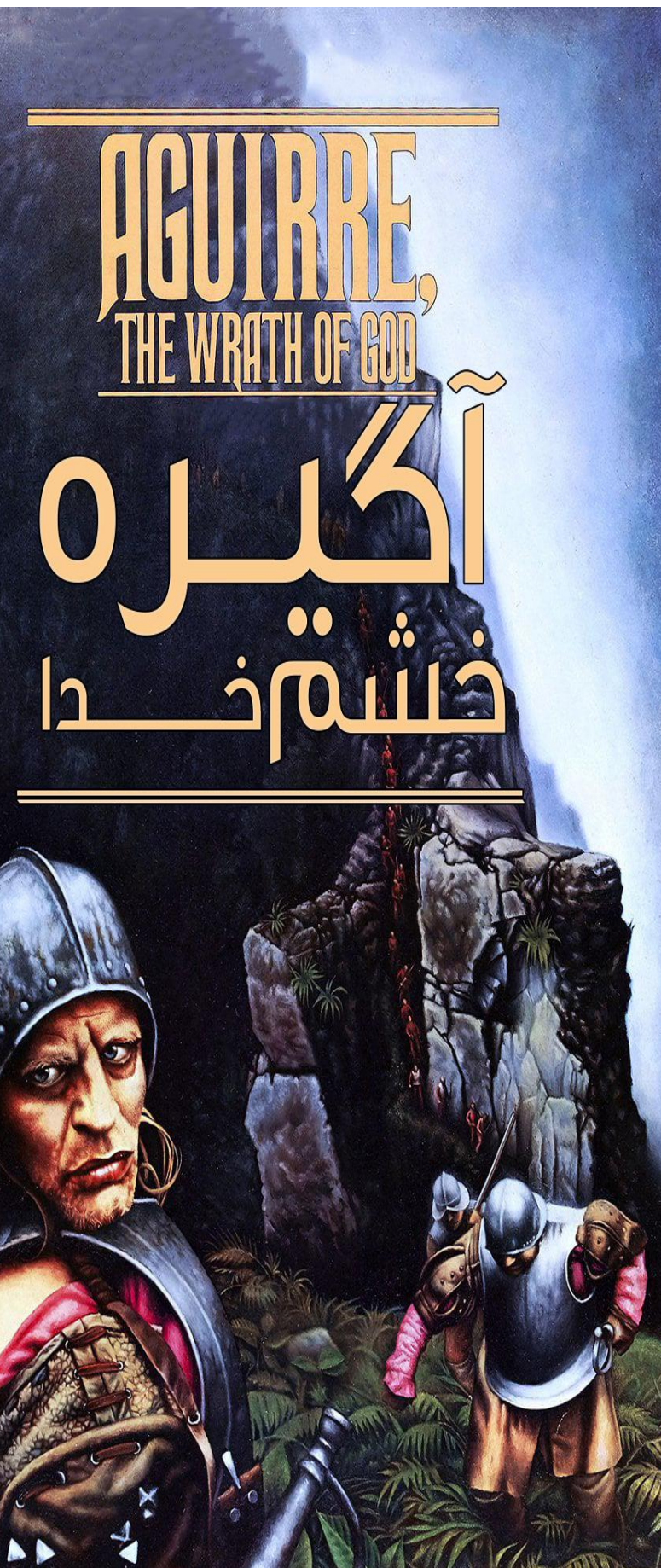


خشم خدا

یک سال از جستجو می گذرد؛ پزارو، سرپرست این کاروان خسته که از کمبود غذا و خستگی کاروان خبر دارد گروه تجسسی تشکیل می دهد و یک مهلت هفت روزه به آنها می دهد که اگر می توانند با اطلاعات و آذوقه برگردند. گروه تجسس سوار بر چند قایق روی رودخانه شناورند، آگیره هم یکی از اعضای گروه تجسس است، او بر علیه فرمانده گروه تجسس (=اورسوا) می شورد و خود تصمیم گیر و فرمانده حقیقی گروه می شود. او یک نجیب زاده چاق را بعنوان پادشاه انتخاب می کند. انتخاب پادشاه با رای همه است البته زیر نگاه های ترسناک آگیره رأی دادن هم اجباری می شود، گروه تجسس متمدن دادگاه هم دارد، کشیش در این گروه کوچک اسپانیایی قضاوت می کند البته در این دادگاه نیازی به اثبات جرم نیست! دادگاه برگزار می شود تا دادگاهی وجود داشته باشد و گرنه حکم را قبلاً آگیره صادر کرده!

آگیره این طاغی ظالم نماد حرص انسان ها است، اما آیا حرص چیز بدی است؟

این سرکش که الگوش هرناندو کورتز طاغی است که مکزیک را کشف کرده است، در انتهای فیلم تنها خودش بر قایق ایستاده و رویاپردازی می کند.





طغیان آگیره جایی شروع می‌شود که فرمانده گروه تجسس که می‌بیند قایق‌ها را آب برده فرمان بازگشت از میان جنگل را می‌دهد و علاقه‌ای به ادامه سفر ندارد. عبور از جنگلی که پر از بومی خطرناک و وحشی است و ترک رویای الدورادو مطلوب آگیره نیست.

رویدادهای فیلم نشان می‌دهند تصمیم آگیره برای ادامه سفر، آنها را از مرگ در میان جنگل نجات داده و همه اعضای گروه اصلی به دست بومیان کشته شده می‌شوند.

آگیره نماینده همه انسان‌هاست او مجبور است با قایق‌اش از میان رودخانه پیچ پیچی آمازون بگذراند. او برای شهرت و قدرت راهی الدورادو است و طلایی بودن الدورادو برایش آن‌چنان مهم نیست؛ آگیره که پیش از حرکت گروه تجسس به فرمانده اصلی قافله (=پزارو) هشدار می‌دهد همه ما غرق خواهیم شد:

آگیره: "هیچکس از این رودخانه جان سالم به در نمی‌بره"

پزارو: "بهت می‌گم، موفق میشیم از این مسیر راحت تره"

آگیره: "نه هممون غرق میشیم"

بعد از حرکت گروه تجسس هم این هشدار از جانب یک برده مکزیکی به دختر آگیره داده می‌شود: "بلاى اسپانیایی‌ها از سیل و بیماری بدتر بود اسم مرا عوض کردند قبلا یک شاهزاده نیرومند بودم اما برای شما هم متأسفم چون راه گریزی از این جنگل نیست."

اعضای گروه تجسس تا انتها یکی یکی با تیر بومیان آدمخوار کشته می‌شوند حتی دختر آگیره، آگیره در اوج ناتوانی هنوز میخواهد بجنگد و حاضر نیست واقعیت را با توهم عوض کند، مثل توهمی که کشیش و یک برده دچار آن شده‌اند و حتی تیری که بدنشان را شکافته هم خیال و وهم می‌دانند.

آگیره انسان بی‌رحمی است که برای رسیدن به هدفش هر مانعی را کنار می‌زند و به هیچ کس وفادار نیست بقول خودش:

"من یک پیمان شکن بزرگم، خائنی بزرگتر از من نمیتونه وجود داشته باشه"

آگیره خشم خدا نیست بلکه راه نجاتی کوتاه مدت از خشم خدا است.

او می‌داند روزی کشتی‌اش غرق خواهد شد و می‌میرد پس طبیعی است که ادعا کند:

"من اگر بخوام پرنده‌های روی درختان بمیرن می‌میرن و از درختان به پایین پرتاب میشن، زمینی که روی آن قدم می‌زنم با دیدن من به لرزش می‌افته."

از دیگر صحنه‌های تاثیرگذار این فیلم صحنه‌ای است که کشیش یک بومی را به مسیحیت دعوت می‌کند و بعد بومی را می‌کشد و نیز صحنه‌ی بلعیدن غذا توسط پادشاه منصوب آگیره و نگاه‌های بقیه اعضای قایق که گرسنه هستند به او است.



بهداشت معنوی در دوران کرونا و تاثیر آن بر سلامت جسم و روان



سجاد سعید
بهداشت
عمومی ۹۷

وقتی همه گیری یک بیماری در جهان رخ می دهد، اختلالی در زندگی روزمره به وجود می آید که توجهات به سمت یک قدرت ماورایی می رود که بتواند باعث آرامش درون و تلقین به خود و دیگران شود که این بیماری کنترل شود.

معنویت مفهوم گسترده ای است که جای بسیاری از دیدگاه ها را دارد. به طور کلی شامل جستجوی معنای زندگی است. به همین ترتیب این یک تجربه ی جهانی انسانی است، چیزی که همه ما آن را لمس می کنیم.

افراد ممکن است معنویت را یک حقیقت مقدس یا متعالی یا شخصاً یک احساس عمیق و وجود به هم پیوستگی را توصیف کنند. احساس معنویت چیزی است که به فرد برای ادامه ی حیات و زندگی جهت و معنا می دهد و فرد به تحقق اهداف خود می کوشد و این بسیار مفید است، برای سلامت روانی و جسمی فرد که بتواند در مسیر تکامل و رشد قرار بگیرد. ما ممکن است به بهداشت معنوی و اینکه چه نقشی در سلامت و جسم دارد، فکر نکنیم. اما اهمیت آن بیش از آن است که تصور می کنیم. سلامت معنوی ممکن است برای افراد مختلف، معنای متفاوتی داشته باشد، برای برخی معنویت ممکن است که مترادف با دین و اعتقادات باشد. در حالی که برای برخی دیگر اصولاً مربوط به کیفیت روابط شخصی یا عشق به طبیعت است. شالوده اساسی برای سلامت معنوی، می تواند این باشد که زندگی معنادار است و شما جای خود را در آن پیدا کرده اید که همان حقیقت وجودی انسان است و به دنبال کسب خوشبختی و آرامش هستیم.

علم بهداشت معنوی، مانند علم طب به دو قسمت تقسیم می شود:
(۱) کسب فضائل اخلاقی (بهداشت)

(۲) دفع رذیلت ها و معضلات فرهنگی و اجتماعی، (درمان) که این معضلات تأثیر مستقیمی بر سلامت روانی و جسمی فرد و جامعه دارد.

بعد معنوی و رابطه آن با سلامت

براساس پیش بینی کمیسیون تعیین کننده اجتماعی سلامت سازمان جهانی بهداشت، عوامل زیستی و ژنتیک ۵٪، عوامل رفتاری ۳۰٪، نظام مراقبت از سلامت ۱۰٪، شرایط اجتماعی ۵۵٪، بر روی سلامت تأثیر گذارند. بعد معنوی (روحی و یا الهی) روی تمامی عوامل موثر بر سلامت یعنی: عوامل زیستی، محیطی، نظام ارائه خدمات سلامت و به خصوص عوامل اجتماعی، تأثیر اساسی و ماندگار به شکل مفید دارد. بنابراین انکار این بعد، خسران بزرگ بشری در رابطه با نظام سلامت محسوب می گردد.

بهداشت معنوی و رابطه ی آن با تندرستی جسم از دیدگاه نهج البلاغه (ع)

کتاب نهج البلاغه با مرور قرن ها، نه تنها تازگی و جذابیت خویش را حفظ کرده بلکه افزون تر شده است؛ تا جایی که، در حکمت ۳۸۸ این کتاب،

حضرت علی (ع) می فرماید: «آگاه باشید که فقر نوعی بلا است و سخت تر از فقر، بیماری تن و جسم است و سخت تر از بیماری جسم، بیماری قلب است. آگاه باشید که همانا، عامل تندرستی، تقوای دل است.»

حضرت علی (ع) بدترین بلا را بیماری قلب می‌داند و این اهمیت بهداشت معنوی را نشان می‌دهد.

روشن است که منظور از قلب به معنای روح و روان آدمی است که بیمار است.

افراد بیمار دل کسانی هستند که از نظر اعتقادی گرفتار انحرافات مختلفی شده‌اند و یا از نظر اخلاقی آلوده به انواع رذایل گشته‌اند: مانند بخل، حسد، فحشا و شهوت پرستی که این عوامل با بسیاری از بیماری‌های جسمی مانند: بیماری قلبی و ایدز و انواع بیماری‌های روحی و روانی مانند افسردگی و بیماری‌های عصبی، ارتباط مستقیمی دارد که به دلیل عدم رعایت بهداشت معنوی و عدم پایبندی به آن می‌باشد.

مشخص است که بیماری‌های جسمی در دنیا انسان را آزار می‌دهد اما بیماری روح و روان هم در دنیا انسان را آزار می‌دهد و هم مایه‌ی شقاوت او در سرای دیگر است و شخصیت و عزت نفس را از بین می‌برد و این فرد جسم و بدن خودش، اهمیتی برایش ندارد و دست به هر آسیبی به خود و جامعه می‌زند.

و در آخرین جمله از کلام زیبای حضرت علی (ع) می‌فرماید: «آگاه باشید که همانا عامل تندرستی، تقوای دل است.» یعنی تقویت بهداشت معنوی و رعایت و پایبندی محکم به آن، باعث سلامت جسم و روان می‌شود.

راهکارهایی برای بهبود سلامت معنوی

۵ استراتژی مؤثر برای بهبود و رشد سلامت معنوی وجود دارد که تأثیرات قابل توجه‌ای بر روی سلامت جسم و روان دارد:

تمرین سکوت انجام دهید. حقایق معنوی غالباً به صورت صدایی ناچیز و کوچک شنیده می‌شود که برای

شنیدن آن به صدایی بالاتر از هرج و مرج و سردرگمی نیاز است. زمانی برای خلوت و مراقبه در طبیعت اختصاص دهید.

شکرگزاری کنید. تجارب معنوی غالباً به شکل‌های غیرمنتظره‌ای درمی‌آید. آن‌ها ما را غافلگیر می‌کنند. نگرش شکرگزاری از نعمت‌ها در خود ایجاد کنید.

پذیرش و عدم قضاوت دیگران را تمرین کنید. این کار باعث دور شدن از فضای مسموم ذهنی می‌شود و یک حالت آرامش به شما دست می‌دهد.

عبادت و دعا و مراقبه را انجام دهید. تحقیقات و مطالعات انجام شده، نشان می‌دهد که آستانه تحمل و آرامش در افراد نمازگزار بیشتر از افراد غیرنمازگزار بوده است که نماز خواندن و عبادت بر روی سلامت روان اثر مفیدی دارد.

با افراد و گروه‌های مختلف حس ارتباط و نوع دوستی بدون هیچ انتظاراتی از فرد را برقرار کنید. بی‌منت ارتباط برقرار کردن و بدون توقع و انتظار محبت کردن، باعث شادی درونی می‌شود، زیرا انتظارات همیشه صدمه می‌زنند.

مسلمانان بعد از این اقدامات، نتایج شگفت‌انگیزی در زندگی‌مان تجربه خواهیم کرد. اگر به دنبال آگاهی باشیم و بخواهیم که سالم و شاد باشیم که خواستن توانستن است، باید به بهداشت معنوی که امروزه از آن غافل شده‌ایم و غفلت از آن باعث ضررهای جبران ناپذیری می‌شود، فکر کنیم و آن را جدی بگیریم تا یک جسم و روان سالم در جهت پیشرفت جامعه و محقق شدن اهداف‌مان در زندگی خود باشیم.



خلاصه ای از شیوه ی نگارش

شاهنامه به دست فردوسی بزرگ

حکیم ابوالقاسم فردوسی زاده ی ۳۲۹ هجری قمری در طوس خراسان است. فردوسی در سال ۳۷۰ یا ۳۷۱، به نظم درآوردن شاهنامه را بر پایه ی شاهنامه ی ابومنصوری آغاز کرد و در اوایل این کار، هم خود او ثروت و دارایی قابل توجهی داشت و هم برخی از بزرگان خراسان که به تاریخ باستان ایران علاقه داشتند، او را یاری می کردند. ولی به مرور زمان و پس از گذشت سال ها، در حالی که فردوسی بیشتر شاهنامه را سروده بود، دچار فقر و تنگدستی شد. برخلاف آنچه مشهور است فردوسی سرودن شاهنامه را تنها به دلیل علایق شخصی و سال ها قبل از به سلطنت رسیدن محمود غزنوی آغاز کرد اما چون در این راه جوانی و ثروتش را از دست داد به فکر افتاد که شاهنامه را به نام پادشاهی بزرگ درآورد و با این تصور که سلطان محمود غزنوی قدرت او را می داند شاهنامه را به نام او کرد و راه غزنین در پیش گرفت. اما سلطان محمود که اشعار مدحی و ستایشی شاعران را بیشتر از اشعار تاریخی و پهلوانی می پسندید به شاهنامه توجهی نکرد و فردوسی را مورد لطف قرار نداد. برخی دلیل این بی اعتنایی را بدگویی حسودان از فردوسی نزد محمود سلطان محمود و برخی هم ارادت فردوسی به حضرت علی علیه السلام و شیعه بودنش می دانند که محمود غزنوی چون سنی بود آن را قبول نداشت. به هر حال فردوسی باقی عمرش را در تنگدستی گذراند و احتمالاً بین سال های ۴۱۶-۴۱۱ درگذشت. در تاریخ آورده اند که چند سال بعد سلطان محمود از رفتار نامناسبی که با شاعر آزاده داشت پشیمان شد و دستور داد که ثروت فراوانی برای او به طوس ببرند اما هنگامی که هدیه را برای فردوسی به طوس می بردند. جنازه شاعر را از طوس بیرون می آوردند. از فردوسی تنها یک دختر مانده بود که آن هم هدیه سلطان محمود را نپذیرفت.



فاطمه شاهمیری
کارشناسی علوم سیاسی ۹۸





اولین کسی که رسم پادشاهی و تاج و تخت را آورد کیومرث بود. سی سال با شکوه بر تمام جهان فرمان راند و دد و دام نزد او آرام گرفتند. کیومرث پسر خردمندی داشت به نام سیامک که آرامش مایه روان پدر بود. تنها دشمن کیومرث دیو و فرزند درشت اندامش بود. دیو سپاهی بزرگ تشکیل داد و با همه از نیاتش سخن گفت. کیومرث نمیدانست چنین دشمن خطرناکی دارد اما سروش - فرشته پیام آور - به شکل یکی از پریان که پوست پلنگ بر تن داشت نزد کیومرث آمد و او را از نیت پلید دیو و پسر نابکارش آگاه کرد. سیامک پسر کیومرث چون از این ماجرا آگاه شد سپاهی تشکیل داد و لباس چرم پلنگ پوشید به جنگ با اهریمن بچه رفت. چون با هم درگیر شدند اهریمن بچه به سر و تن شاهزاده چنگ و بر خاک انداختش و جگرگاهش را پاره کرد و او را کشت. کیومرث و سپاهیان یکسال به سوگ سیامک نشستند تا اینکه سروش دوباره پیش شاه آمد و از او خواست گریه زاری را تمام کند و انتقام خون سیامک را از اهریمن بگیرد. هوشنگ پسر سیامک با لشکری بزرگ به جنگ دیوان رفتند و هوشنگ مثل شیر به دیو حمله کرد و او را به بند کشید به انتقام خون پدر سر از تنش جدا کرد. کیومرث مدتی بعد از انتقام پسرش از دنیا رفت ولی راه و رسم نیک را از خود به جای گذاشت.



دانشگاه شهید باهنر کرمان



@Daneshjo_nabz



@Daneshjonabz

ارتباط با نشریه:

محمد جواد زبردست ۰۹۱۳۰۵۱۸۹۷۴